



(۷) «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي الْمُعْزَى عَنْ عَنبَسَةَ بِنِ مِصْعَبٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ فَاتَنِي عَلَيْهِ بَعْضُ الْقَوْمِ حَتَّى كَانَ مِنْ قَوْلِهِ وَأَخْزَى اللَّهُ عَدُوَّهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ كُنَّا وَعَدُونَا كَثِيرٌ وَلَقَدْ أَمْسَيْنَا وَمَا أَحَدٌ أَعْدَى لَنَا مِنْ ذَوِي قَرَابَاتِنَا وَمَنْ يَنْتَحِلْ حَبْنًا إِنَّهُمْ لَيَكْذِبُونَ عَلَيْنَا فِي الْجَفْرِ قَالَ قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَمَا الْجَفْرُ قَالَ وَهُوَ وَاللَّهُ مِسْكٌ مَاعِزٌ وَمِسْكٌ ضَّانٌ يَنْطِقُ أَحَدُهُمَا بِصَاحِبِهِ فِيهِ سِلَاحُ رَسُولِ اللَّهِ صِ وَالْكِتَابُ وَمِصْحَفُ فَاطِمَةَ أُمَا وَاللَّهُ مَا أَرَعُمُ أَنَّهُ قُرْآنٌ.»^۱

توضیح:

۱. راوی: ما نزد امام صادق بودیم، پس یکی از جمع، بر حضرت درود فرستاد [اثنی علیه: سپاسگزاری کردن] تا آنجا که در کلام او چنین بود که خدا دشمنان حضرت را رسوا کند، خوار کند [خزی: رسوا کردن، خوار کردن] [در نسخه بحار «عدوک» آمده است که در آن صورت باید روایت را به صورت زیر معنا کرد: «خدا دشمن تو را خوار کند»]
۲. حضرت فرمودند: ما بودیم در حالیکه دشمن زیادی داشتیم و شب کردیم در حالیکه دشمن تر از نزدیکان ما نیست و کسیکه محبت ما را به خود نسبت می دهد
۳. و ایشان در جفر، بر ما دروغ می بندند
۴. راوی: جفر چیست؟
۵. حضرت: به خدا، جفر پوست بز [ماعز: بز / مسک: پوست] و پوست گوسفند [ضأن: گوسفند] که یَنطِقُ احدهما بصاحبه: که یکی از آنها برای دارنده خود، بیان می کند
۶. و در آن جفر، سلاح پیامبر و کتاب ها و مصحف فاطمه است و به خدا آنها قرآن نیست ما می گوئیم: گویی مخالفین چنین القا می کرده اند که مصحف فاطمه هم مثل سایر مصحف ها (مثل مصحف عبدالله بن مسعود یا...) است و همان قرآن است که در دست مردم است و لذا مردم چنین می پنداشته اند که آنچه اهل بیت دارند همان قرآنی است که نزد بقیه مردم است و حضرت می گویند چنین نیست و مطالب دیگری است

۱. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۱۵۴



(۸) «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ الْكُوفِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: ذَكَرَ وَلَدُ الْحَسَنِ الْجَفْرَ فَقَالُوا مَا هَذَا بِشَيْءٍ فَذَكَرَ بِشَرِّ ذَلِكَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ نَعَمْ هُمَا إِهَابَانِ إِهَابٌ مَاعِزٌ وَإِهَابٌ ضَّانٌ مَمْلُوءَانِ عِلْمًا كُتِبَ فِيهِمَا كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى أُرْشَ الْخَدَشُ.»^۱

توضیح:

۱. فرزندان امام حسن از جفر یاد کردند و گفتند چیزی نیست
 ۲. «بشر» این مطلب را به امام صادق گفت: ایشان فرمود:
 ۳. جفر دو پوست است (اهاب = پوست) و پوست بز و پوست گوسفند که پراز علم هستند در آنها همه چیز نوشته شده است
- ما می گوئیم: ظاهر این روایت آن است که مطالب روی آن پوست ها نوشته شده است (نه اینکه آن ها کیسه ای باشد که کتاب ها در آنها باشد)

(۹) «حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ رُفَيْدٍ مَوْلَى أَبِي هُبَيْرَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ لِي يَا رُفَيْدُ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَ الْقَائِمِ قَدْ ضَرَبُوا فَسَاطِيطَهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ ثُمَّ أَخْرَجَ الْمِثَالَ الْجَدِيدَ عَلَى الْعَرَبِ الشَّدِيدِ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا هُوَ قَالَ الذَّبْحُ قَالَ قُلْتُ بِأَيِّ شَيْءٍ يَسِيرُ فِيهِمْ بِمَا سَارَ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ فِي أَهْلِ السَّوَادِ قَالَ لَا يَا رُفَيْدُ إِنَّ عَلِيَّ ع سَارَ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَبْيَضِ وَهُوَ الْكَفُّ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ سَيُظْهِرُ عَلَى شِيعَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنَّ الْقَائِمَ يَسِيرُ بِمَا فِي الْجَفْرِ الْأَحْمَرِ وَهُوَ الذَّبْحُ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَظْهَرُ عَلَى شِيعَتِهِ.»^۲

توضیح:

۱. حضرت: تو چگونه ای وقتی اصحاب قائم، خیمه (فسطاط) های خود را در مسجد کوفه بر پا می کنند
۲. و اخراج المثال...: ظاهراً یعنی دستور جدید را بر عربی که قبول نمی کند و شدیداً مقاومت می کند، عرضه می دارد

۱. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۱۵۵

۲. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۱۵۵

۳. راوی: مثال جدید چیست؟

۴. حضرت یعنی ذبح.

۵. راوی: آیا قائم همان نحو سیر می کند که امیرالمومنین با اهل سواد سیر کرد

۶. حضرت امیر بر اساس جفر سفید که خود داری باشد عمل کرد چراکه می دانست، اهل عراق بعداً بر شیعیان غالب می شوند در حالیکه حضرت قائم بر اساس جفر قرمز عمل می کند چراکه می داند آنها بر شیعیان غالب نمی شوند.

(۱۰) «حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخُشَّابِ عَنْ نَعِيمِ بْنِ قَابُوسَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ ع عَلِيٌّ أَكْبَرُ ابْنِي آخِرُ وُلْدِي وَ أَسْمَعُهُمْ لِقَوْلِي وَ أَطَوَعُهُمْ لِأَمْرِي يَنْظُرُ فِي الْكِتَابِ الْجَفْرِ مَعِيَ وَ لَيْسَ يَنْظُرُ فِيهِ إِلَّا نَبِيٌّ أَوْ وَصِيٌّ نَبِيٍّ»^۱

توضیح:

۱. نعیم بن قابوس [مرحوم مفید در ارشاد او را از اصحاب خاص امام کاظم دانسته و او را توثیق کرده است].

۲. می گوید امام کاظم به من فرمود: علی [امام رضا] بزرگترین پسر من است و آخرین فرزند من است [در نسخه بحار، چنین آمده است: «علیُّ ابْنی، اکبر و لدی...» و این ظاهراً اصح است]

۳. وی بیشتر از بقیه به حرف من گوش می دهد و به دستور من اطاعت می کند

۴. او [امام رضا] همراه من در «الکتاب الجفر» نگریسته است و کسی در آن جز نبی یا وصی نگاه نمی کند. [در نسخه بحار چنین آمده است: «ینظر معی فی کتاب الجفر و الجامعه»]

ما می گوئیم:

۱. این روایت هم دال بر آن است که کسی غیر از ائمه، جفر را نمی دانند.

۲. اگر عبارت «الکتاب الجفر» را صحیح بدانیم جفر نام کتاب است ولی اگر «کتاب الجفر» را صحیح بدانیم می تواند به معنای «کتابی که در جفر (کیسه) است» باشد و می تواند کماکان نام کتاب باشد.

۱. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۱۵۸



(۱۱) «حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحُسَيْنِ السَّحَّابِيُّ [السَّنَجَالِيُّ] عَنْ مَحْوَلٍ [مُخَوَّلٍ] بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ عَ عِنْدَنَا الْجَامِعَةَ وَهِيَ سَبْعُونَ ذِرَاعًا فِيهَا كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى أَرُشُ الْخَدَشِ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَحَطُّ عَلِيٍّ عَ وَعِنْدَنَا الْجَفْرُ وَهُوَ أَدِيمٌ عَكَظِي قَدْ كُتِبَ فِيهِ حَتَّى مَلِئْتُ أَكَارِعَهُ فِيهِ مَا كَانَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.»^۱

توضیح:

۱. امام می فرماید: کتاب جامعه نزدمان که هفتاد ذراع است و همه چیز در آن است و پیامبر املاء کرده اند و علی (ع) نگاشته است.
۲. و نزد ماست جفر که یک چرم عکاظی است که در آن نوشته شده است، تا جایی که «اکارع» آن هم پر شده است [اکارع: جمع کُراع = پاچه گوسفند و گاو که جای باریک ساق است].
۳. [یعنی چرم را که باز کرده اند و آن را تبدیل به چیزی شبیه کاغذ کرده اند تا در آن بنویسند، تا گوشه های آن را هم مطلب نوشته اند]

ما می گوئیم:

۱. این روایت هم، جفر را نام چرمی می داند که روی آن مطالب نوشته شده است
۲. ابی مریم اگرچه مجهول است ولی از اصحاب امام سجاد دانسته شده است و لذا «ابوجعفر» اشاره به امام باقر است. اگرچه در جای دیگر او را از اصحاب امام باقر ندانسته اند ولی قطعاً مراد از ابو جعفر نمی تواند «امام جواد» باشد.

(۱۲) «حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ يَقُولُ أَمَا قَوْلُهُ فِي الْجَفْرِ إِنَّمَا هُوَ جِلْدُ ثَوْرٍ مَدْبُوعٌ كَالْجِرَابِ فِيهِ كُتِبَ وَعَلِمَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ النَّاسُ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ حَلَالٍ وَحَرَامٍ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَحَطُّ عَلِيٍّ ع.»^۳

توضیح:

۱. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۱۶۰.
 ۲. المفید، ص ۷۲۴.
 ۳. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۱۶۱.



۱. جفر پوست گاو دباغی شده است مثل جراب [غلاف شمشیر]

۲. در آن کتاب هایی است و علمی که به آن احتیاج است.

ما می گوئیم:

۱. در منابع اهل سنت از کتاب کوچکی یاد شده که نزد رسول الله بوده است و آن قدر کوچک بوده

است که غلاف شمشیر حضرت جا می شده است، صاحب وسائل نیز روایتی را در این مضمون نقل

کرده است که برقی در محاسن نقل می کند که: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّ عَلِيًّا ع وَجَدَ كِتَابًا فِي

قِرَابِ سَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ ص - مِثْلَ الْإِصْبَعِ.»^۱

هم چنین بصائر الدرجات نیز در روایت به چنین مطلبی اشاره دارد. مجلسی روایت را چنین نقل

کرده است:

«حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَّانَ وَ يَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي عِمْرَانَ الْأَرْمَنِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ

أَسْبَاطٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَبْدِيِّ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مَيْسَرَةَ عَنْ أَبِي أَرَاكَةَ قَالَ: كُنَّا مَعَ

عَلِيٍّ ع بِمَسْكَنٍ فَحَدَّثَنَا أَنَّ عَلِيًّا ع وَرَثَ مَنْ رَسُولِ اللَّهِ السَّيْفِ وَ بَعْضُ يَقُولُ الْبَغْلَةَ وَ بَعْضُ يَقُولُ

وَرِثَ صَحِيفَةً فِي حِمَائِلِ السَّيْفِ إِذْ خَرَجَ عَلِيٌّ ع وَ نَحْنُ فِي حَدِيثِهِ فَقَالَ أَيُّمُ اللَّهِ لَوْ أَنْسَطَ [أَنْسَطَ]

وَ يُؤَذِّنُ لِي لِحَدِيثِكُمْ حَتَّى يَحُولَ الْحَوْلُ لَا أُعِيدُ حَرْفًا وَ أَيُّمُ اللَّهِ إِنَّ عِنْدِي لَصَحْفٍ [لَصُحُفًا] كَثِيرَةً

قَطَائِعَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ إِنَّ فِيهَا لَصَحِيفَةً يُقَالُ لَهُ الْعَيْطَةُ وَ مَا وَرَدَ عَلَى الْعَرَبِ أَشَدُّ عَلَيْهِمْ

مِنْهَا وَ إِنَّ فِيهَا لَسِتَيْنِ قَبِيلَةٍ مِنَ الْعَرَبِ مُبَهْرَجَةٌ مَا لَهَا فِي دِينِ اللَّهِ مِنْ نَصِيبٍ.»^۲

توضیح:

ایمُ الله: قسم به خدا/ آنسَطَ: اگر خوشحال بودن و اذن داشتیم/ قَطَائِعَ: خالص ها/ بَهْرَجَه: باطل

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۲۹، ص ۱۶.

۲. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۶، ص ۷۳۷ بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم؛ ج ۱؛ ص ۱۴۹.